نگاه

زنگ خطر ظهور فاشیسم نوین

● **اردشیر زارعی‌قنواتی:** انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل به دلیل پیروزی «ژائر بولسونارو»، کاندیدای راست‌افراطی و چهره فاشیستی او، ظاهرا همه محافل سیاسی و رسانه‌ای جهان را شوکه کرده است. اما تحولات سیاسی برزیل بیش از اینکه شگفتی‌آور و دروغ‌های محافل قدرت سرمایه‌داری و جریان اصلی رسانه برای ابراز ناخرسندی از این انتخاب قابل باور باشد، نتیجه طبیعی دوران «آنارشی» و بحران نظام سرمایه‌داری است که از سال ۲۰۰۸ میلادی بروز کرد و امروز پیامدهای آن را می‌توان در همه کشورهای اروپایی، پیروزی «دونالد ترامپ» در آمریکا و بولسونارو در برزیل به‌وضوح دید. تمرکز رسانه‌های بین‌المللی موضوع فساد در دوره ۱۲ساله حاکمیت حزب کارگران برزیل در کنار حمایت عینی و علنی همه احزاب راست میانه و حتی سوسیال‌دموکرات‌های برزیلی از کاندیدای حزب اولتراراست «سوسیال‌لیبرال» برای جلوگیری از پیروزی «فرناندو حداد» از حزب کارگران و چپ‌های متحد آن، واقعیت تصویری است که بسیاری امروز می‌خواهند آن را واژگون جلوه داده و از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی کنند. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی چنان زلزله‌ای در جهان سرمایه‌داری به‌پا کرد که به گفته اکثر صاحب‌نظران و مستندات تاریخی، بسیار بزرگ‌تر از بحران سال ۱۹۲۹ میلادی بود که منجر به رکود بزرگ و ظهور فاشیسم در اروپا شد. در این بحران حتی دخالت دولت‌های سرمایه‌داری نئولیبرال به‌ویژه آمریکا که با ورشکستی «بانک‌های رهنی» این کشور جرقه این بحران را زده بودند، نیز در چارچوب تزریق بیش از ۷۵۰ میلیارد دلار از پول مالیات‌دهندگان به بانک‌ها و مؤسسات مالی ورشکسته انجام گرفت که هرچند موجب جلوگیری از سقوط اقتصادی شد، اما هم‌زمان شکاف‌های طبقاتی را با طرح‌های «ریاضت اقتصادی» تشدید کرد. به همین دلیل به همان نسبت که نسخه درمانی دولت‌های رفاه که موجب تعدیل نظام سرمایه‌داری برای پاسخ‌گویی به مطالبات طبقات زیرین اقتصادی می‌شد، این بار بر عکس موجب خانه‌خرابی بیشتر این طبقات در زیر چرخ‌دنده‌های نهادها و انحصارات مالی شد. پیامد این سیاست نئولیبرالی که با برنامه ریاضت اقتصادی مورد تأکید بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر اقتصاد همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در نظام سرمایه‌داری همراه بود، موجب شد طبقات زیرین اقتصادی به زیر خط فقر سقوط کرده و در تقابل با «وضع موجود» قرار گیرند. زمانی که الیت‌ها و نهادهای سیستمی در قالب راست و چپ میانه با سیاست‌های مخرب خود قادر به مدیریت این وضعیت نباشند (دقیقا تصویر امروز جهان) بستر زایش چپ رادیکال و راست‌افراطی فراهم می‌شود. از آنجا که نمایندگان سیستمی و حامی وضع موجود طبق تجربه تاریخی راست‌افراطی و حتی فاشیسم را هم‌پیمان خود در مقابل تغییرات بنیادین چپ می‌دانند، نهادهای بوروکراتیک حاکم و طبقه الیگارشی در خدمت این پدیده قرار می‌گیرند. به همین دلیل تحولات چند سال اخیر برزیل و انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور که به پیروزی بولسونارو انجامید، تابع محض این وضعیت کلی بوده است. البته در اینکه دوران ۱۲ساله حاکمیت حزب کارگران بخشی از سیستم اجرائی را درگیر فساد مالی کرده بود، جای هیچ تردیدی وجود ندارد اما فساد بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد سرمایه‌داری بود که برزیل این دوره هم در چارچوب آن هویت داشت. مشکل بزرگ حزب کارگران برزیل بیش از آنچه معطوف به این فساد مالی باشد، ناشی از اشتباه بزرگ دولت دیلما روسف برای پذیرش توصیه‌های نهادهای بین‌المللی برای اجرای سیاست ریاضت اقتصادی بود که بسیاری از لایه‌های زیرین را که پایگاه اجتماعی آنان بودند در مخالفت با دولت به خیابان‌ها کشاند. افزایش این نارضایتی‌ها که ناشی از تسلیم‌پذیری دولت در مقابل انحصارات مالی و صنعتی برزیل بود، تبدیل به پاشنه‌آشیل حزب کارگران شد و در زمان هجوم، جریانات قدرتمند رقیب و قوه قضائیه فاسد این کشور، برای دفاع از آنان به میدان نیامدند. نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۸ اکتبر برزیل که به پیروزی کاندیدای راست افراطی و چهره بدون رتوش فاشیسم و دوران «خونتای نظامی» این کشور منجر شد، حاصل همین تحولات داخلی و خارجی بود. تجربه برآمدن راست افراطی در اروپا، پیروزی ترامپ در آمریکا و امروز بولسونارو در برزیل نشان می‌دهد که در غیاب یک ائتلاف چپ قدرتمند بسیاری از رأی‌دهندگان ضدسیستمی به سمت راست افراطی متمایل می‌شوند. اما در یک موضوع نباید تردید کرد و آن اینکه برزیل به رهبری بولسونارو چهره‌ای فاشیستی و مطابق الگوی آمریکای ترامپ خواهد داشت و او همه تلاش خود را برای هماهنگی با کاخ سفید برای تحقق اهداف خود به کار خواهد بست. پیروزی ژائر بولسونارو دقیقا مثل پیروزی دونالد ترامپ حاصل شکست سیستم و نظم مألوف کنونی و حاکم بر جهان تحت سلطه نظام سرمایه‌داری بوده است. چنانچه طبقات و طیف‌های سیاسی میانه خیلی زود و به طور اساسی در سیاست‌های شکست‌خورده خود تجدیدنظر نکنند، این موج زایش دوباره فاشیسم جغرافیای بسیار بیشتری را به خود اختصاص خواهد داد و احتمال اینکه از کنترل خارج شود، بسیار زیاد خواهد بود. به همین دلیل این پیروزی فاشیسم قرن بیست‌ویکمی در برزیل را باید زنگ‌خطری جدی برای آنان که صدای آوار پیروزی ترامپ را نشنیده یا به هر دلیلی با آن همراه شده‌اند به حساب آورد که اگر چاره‌ای برای آن پیدا نشود، باید در انتظار یک جهان پرآشوب‌تر بود.

وزیر خارجه و دفاع آمریکا از عربستان خواستند جنگ یمن را پایان دهد

نوشداروی صلح

قتل جمال خاشقجی موقعیت عربستان در خاورمیانه و نیز رابطه این کشور با متحدان غربی‌اش را با چالش روبه‌رو کرده است. در تازه‌ترین تحول، ایالات متحده که مهم‌ترین متحد عربستان محسوب می‌شود، خواستار پایان جنگ یمن و آغاز مذاکرات صلح در این کشور شده است. روز گذشته وزرای دفاع و خارجه آمریکا در موضع‌گیری‌هایی کم‌سابقه با انتقاد از رویکرد عربستان در قبال یمن، خواستار پایان حملات ائتلاف به رهبری ریاض به این کشور شدند.

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد: «لازم است حملات متقابل عربستان و حوثی‌ها و نیز درگیری نظامی در یمن پایان یابد و مذاکرات برای برقراری صلح در این کشور به رهبری سازمان ملل از ماه جاری میلادی آغاز شود و درگیری‌ها، از جمله حملات موشکی و پهپادی حوثی‌ها علیه مناطق تحت اختیار عربستان‌سعودی و امارات متحده عربی و در پی آن عملیات هوایی ائتلاف عربستان در تمامی مناطق پرجمعیت یمن متوقف شود. باید مذاکرات جدی و مؤثر با فرستاده سازمان ملل به یمن به منظور اجرای تدابیر مربوط به اعتمادسازی برای حل مشکلات اصلی و علل درگیری و پاک‌سازی مرزها از سلاح در نوامبر ۲۰۱۸ در کشوری ثالث برگزار شود».

اظهارات پمپئو در حالی مطرح می‌شود که ایالات متحده با قراردادن امکانات سوخت‌گیری هوایی و آموزش هدف‌گیری به نیروهای ائتلاف عربستان به آنها در حمله به مواضع حوثی‌ها در یمن کمک می‌کند. بااین‌حال قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد محمد بن‌سلمان، در کنسولگری عربستان در استانبول باعث فشار بر دولت آمریکا برای تجدیدنظر در حمایت تمام‌وکمال واشنگتن از ریاض شده است. وزیر خارجه آمریکا ماه گذشته به کنگره اعلام کرده بود که عربستان‌سعودی و امارات متحده عربی تمام توان خود را به کار می‌گیرند تا تلفات غیرنظامیان در عملیات هوایی آنها کاهش یابد. بااین‌حال بر اساس گزارش‌های سازمان ملل و نهادهای حقوق‌بشری، فاجعه انسانی در یمن، در حال تبدیل‌شدن به وخیم‌ترین فاجعه انسانی تاریخ است. تلفات غیرنظامیان در جریان جنگ یمن یکی از موارد انتقاد شدید از عملیات ائتلاف به رهبری عربستان است. در سال ۲۰۱۵، حوثی‌ها پایتخت یمن را تصرف و عبد ربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری را برکنار کردند؛ در مقابل هم عربستان سعودی ائتلافی را برای کمک نظامی به نیروهای دولتی یمن تشکیل داد. تعداد زیادی از کشورهای جهان، عبد ربه منصور هادی را که در سال ۲۰۱۲ و پس از کناره‌گیری علی عبدالله صالح جانشین او شد رئیس‌جمهور قانونی یمن می‌دانند. درحال‌حاضر، بخش‌های عمده‌ای از یمن در کنترل حوثی‌ها قرار دارد و دولت یمن نیز در نواحی جنوبی این کشور مستقر شده است.

اظهارات وزرای دفاع و خارجه آمریکا در حالی مطرح می‌شود که فشارها بر عربستان در پی قتل جمال خاشقجی افزایش یافته است. روزنامه واشنگتن‌تایمز به‌نقل از مارتین اندیک، معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک گفت، درحال‌حاضر فرصتی دست داده تا به سعودی‌ها گفته شود نمی‌توانند این وضعیت را در یمن ادامه دهند

تکذیب ترور عبد ربه

روز گذشته سایت اسرائیلی دبکا در خبری مدعی ترور عبد ربه منصور هادی، رئیس‌جمهور یمن، در عدن شده بود، اما ریاض این خبر را تکذیب کرد. هم‌زمان با این خبر اعلام شد که معین عبدالملک سعید، نخست‌وزیر جدید منصوب‌شده از سوی عبد ربه منصور هادی، روز چهارشنبه به همراه اعضای دولت خود وارد عدن شد. سعید جانشین «احمد بن دغر» شده است. مهم‌ترین بحران‌های پیش‌روی یمن، بحران اقتصادی به دلیل کاهش ارزش پول ملی این کشور، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در جنگ و بحران امنیتی است.

اخیرا مارتین گریفیس، نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن، ابراز امیدواری کرد که در ماه جاری میلادی امکان مذاکره طرف‌های درگیر در یمن فراهم شود و وزرای دفاع و خارجه ایالات متحده هم از تلاش سازمان ملل برای پایان‌دادن به جنگ یمن حمایت کرده بودند. هم‌زمان با موضع‌گیری پمپئو، جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا، نیز با تأکید بر تلاش واشنگتن برای کاهش تلفات غیرنظامی در یمن خواستار آن شد تا طرفین درگیر هرچه زودتر و در یک ماه پیش‌رو، گام‌هایی اساسی به سوی مذاکره و صلح بردارند. متیس در سخنرانی خود در بنیاد صلح واشنگتن با اشاره به حمایت نظامی آمریکا از ائتلاف عربستان، میزان آن را کمتر از آنچه در رسانه‌ها مطرح شده است، دانست و گفت: «نیروی هوایی آمریکا تنها اقدام به سوخت‌رسانی به حدود یک‌پنجم هواپیماهای سعودی می‌کند که دست به حملات در یمن می‌زنند».

این اظهارات وزرای دفاع و خارجه آمریکا در حالی مطرح می‌شود که فشارها بر عربستان برای توقف جنگ در یمن در پی قتل جمال خاشقجی در کنسولگری عربستان در استانبول در دوم اکتبر افزایش یافته است. وزیر دفاع فرانسه نیز با محکوم‌کردن جنگ یمن گفت که این جنگ منجر به بحران انسانی بی‌سابقه‌ای شده است. در این راستا روزنامه واشنگتن‌تایمز به‌نقل از مارتین اندیک، معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک گفت درحال‌حاضر فرصتی دست داده تا به سعودی‌ها گفته شود نمی‌توانند این وضعیت را در یمن ادامه دهند. دونالد ترامپ نیز به‌تازگی اعلام کرد با اینکه قرارداد نظامی آمریکا با عربستان به قوت خود باقی است، اما کمک ایالات متحده برای هسته‌ای‌شدن عربستان تا اطلاع ثانوی منتفی خواهد بود.

۱۰ هزار نظامی در حدیده

درحالی‌که فشارهای ایالات متحده برای پایان‌دادن به جنگ یمن افزایش یافته، خبرگزاری فرانسه به‌نقل از مقام‌های رسمی دولت یمن گزارش داد که ائتلاف نظامی به رهبری عربستان در یمن بیش از ۱۰ هزار سرباز جدید را به بندر حدیده تحت کنترل حوثی‌ها فرستاده است. این نظامیان مأموریت دارند امنیت مناطق آزادشده از کنترل حوثی‌ها را تأمین کنند. حدیده بندری است که بیش از ۷۰ درصد واردات به کشور فقیر یمن، از جمله کمک‌های انسان‌دوستانه سازمان ملل، از طریق آن صورت می‌گیرد. بیش از ۲۲ میلیون یمنی؛ یعنی یک‌سوم جمعیت یمن، محتاج کمک‌های انسان‌دوستانه هستند.

در همین حال روز گذشته روزنامه گاردین سندی داخلی مربوط به سازمان ملل متحد را منتشر کرد که بر اساس آن عربستان از آژانس‌های امدادی فعال بین‌المللی در یمن خواسته است تا وجهه مثبتی از نقش ریاض در تأمین ۹۳۰ میلیون دلار کمک انسان‌دوستانه به یمن ارائه کنند. عملیات نظامی عربستان در جنگ داخلی سه‌ساله یمن تاکنون باعث کشته‌شدن بیش از ۱۰ هزار غیرنظامی شده و یک میلیون نفر را در آستانه قحطی قرار داده است. این سند با عنوان «طرح دیده‌شدن» شرایط بودجه کمک‌های انسانی ۲۰۱۸ برای یمن را پوشش داده و نشان می‌دهد که آژانس امداد سازمان ملل (اوچا) تحت فشار قرار گرفته بود تا شرایط ضمیمه به پرداخت این پول توسط سعودی‌ها و اماراتی‌ها را بپذیرد. این دو کشور تقریبا یک‌سوم کل بودجه کمک‌های انسانی سازمان ملل برای یمن در سال جاری میلادی را تأمین کردند.

برادر منتقد ملک‌سلمان با تضمین‌های امنیتی غرب به عربستان بازگشت

مأموریت به‌چالش کشیدن ولیعهد جوان

تا همین چند هفته پیش محمد بن سلمان، ولیعهد جوان عربستان سعودی، به باور مقامات بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا، رهبر اصلاحات این پادشاهی بود و نماینده تغییرات بزرگ. تلاش‌های برخی از رسانه‌ها برای نشان‌دادن پوشالی‌بودن اصلاحات ادعایی محمد بن سلمان و گواه‌آوردن از بازداشت گسترده فعالان عربستانی اندک خللی در اراده دولتمردان آمریکایی برای حمایت بی‌قید و شرط از این ولیعهد تازه از راه رسیده وارد نمی‌کرد. حالا اما قتل وحشیانه جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار و منتقد عربستانی، در کنسولگری عربستان در استانبول و فشار افکار عمومی، گمانه‌ها درباره برکناری احتمالی محمد بن سلمان را از مقام ولیعهدی افزایش داده و آن‌طور که برخی گزارش‌ها می‌گویند، آمریکا هم در تکاپوی به‌چالش‌کشیدن ولیعهد با چهره‌های دیگر خاندان آل‌سعود است. روز گذشته سایت خبری میدل‌ایست‌آی در گزارشی اختصاصی از بازگشت احمد بن عبدالعزیز، برادر جوان‌تر ملک‌سلمان، پادشاه عربستان، به این کشور خبر داد. براساس این گزارش، عبدالعزیز پس از اقامتی طولانی در لندن به عربستان بازگشته تا محمد بن‌سلمان را به چالش بکشد یا شخصی را برای این کار بیابد. این شاهزاده که از منتقدان آشکار محمد بن سلمان است، ظاهرا با ضمانت‌های امنیتی مقامات آمریکایی و انگلیسی به کشورش بازگشته است. یک منبع سوری نزدیک به شاهزاده احمد به میدل‌ایست‌آی گفت این شاهزاده و برخی از دیگر چهره‌های خاندان سلطنتی به خطرناک‌بودن محمد بن‌سلمان پی برده‌اند. به‌گفته این منبع، احمد بن‌عبدالعزیز می‌خواهد نقشی در تغییر بازی کند یا خودش بشخصه این نقش را ایفا می‌کند یا برای یافتن جایگزینی برای محمد بن‌سلمان کمک می‌کند. بر اساس این گزارش، احمد بن‌عبدالعزیز پس از دیدار و مذاکره با مقامات آمریکایی و بریتانیایی به عربستان بازگشته و این مقامات هم با تشویق او به ایفای نقش، درباره امنیت او تضمین داده‌اند. جدا از این تضمین غربی‌ها، احمد از سوی برخی از اعضای خاندان سلطنتی هم حفاظت و حمایت می‌شود. نوامبر سال گذشته، محمد بن‌سلمان به پاک‌سازی مخالفانش در خاندان سلطنتی پرداخت اما نتوانست هیچ‌کدام از فرزندان ملک عبدالعزیز، بنیان‌گذار عربستان مدرن را حذف کند چراکه آنها قدرتمندتر و بالادست‌تر از آن هستند که هدف حملات بن‌سلمان قرار بگیرند. پس از به‌قتل‌رسیدن جمال خاشقجی در تاریخ دوم اکتبر و بدنام‌شدن بیش‌ازپیش عربستان سعودی در افکار عمومی و جامعه بین‌المللی، ولیعهد ۳۳ساله عربستانی که این روزها عملا به جای پدرش بر این پادشاهی حکومت می‌کند، بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفت و گمانه‌ها درباره ضرورت برکناری او افزایش یافت. بر اساس گزارش میدل‌ایست‌آی، شاهزاده احمد بن‌عبدالعزیز در زمان اقامتش در لندن با دیگر اعضای خاندان سلطنتی که خارج از این پادشاهی زندگی می‌کنند، دیدار کرده است. شاهزاده احمد همچنین با افرادی با نگرانی‌های مشابه در داخل این پادشاهی مشورت کرده و آنها او را به جایگزینی محمد بن‌سلمان تشویق کرده‌اند. آن‌طور که در این گزارش آمده، سه نفر از اعضای ارشد خاندان سلطنتی آل‌سعود که به دلایل امنیتی از آنها نامی برده نشده، از شاهزاده احمد بن‌عبدالعزیز حمایت می‌کنند. همه این سه نفر در سمت‌های ارشد نظامی و امنیتی مشغول به کار هستند.گرچه بسیاری از اعضای خاندان سلطنتی عربستان بعد از ماجرای قتل خاشقجی بحث برکناری محمد بن‌سلمان را زمزمه می‌کنند، شاهزاده احمد بن‌عبدالعزیز پیش از این هم از مخالفان سرسخت برادرزاده‌اش بود و دست‌کم در سه مورد او را به چالش کشید. اولین بار در تابستان سال ۲۰۱۷ زمانی که یکی از اعضای شورای بیعت بود با ولیعهدی بن‌سلمان مخالفت کرد و با او بیعت نکرد. بعد از آن، وقتی برادر شاهزاده احمد و ملک‌سلمان سال گذشته درگذشت، احمد بن‌عبدالعزیز فقط عکس ملک‌عبدالعزیز و ملک‌سلمان را در سالن مراسم نصب کرد در حالی که طبق رسوم این پادشاهی، عکس ولیعهد نیز باید نصب می‌شد. در آخرین مورد، ماه گذشته وقتی معترضان یمنی و بحرینی بیرون خانه او در لندن تجمع کردند و علیه جنایت‌های عربستان در این دو کشور اعتراض کردند، او گفت همه اعضای خاندان سلطنتی مسئول جنگ یمن نیستند و مسئولیت جنایت‌های در یمن بر عهده ملک‌سلمان و محمد بن‌سلمان است.در چنین شرایطی و با چنین سابقه‌ای بازگشت احمد به ریاض با خطرات زیادی روبه‌روست اما او از حمایت شخصیت‌های مهمی در خاندان حاکم برخوردار است. این سایت به نقل از خالد بن‌فرحان، شاهزاده جداشده از خاندان سلطنتی که در آلمان ساکن است، نوشت که احمد و مقرن بن‌عبدالعزیز می‌توانند وجهه خاندان حاکم را به آن بازگردانند. با این حال، برخی دیگر از اعضای در تبعید خاندان سلطنتی نظر دیگری دارند. برخی می‌گویند شاهزاده احمد برای ایجاد تغییر در این پادشاهی بسیار ضعیف است و برخی دیگر هم می‌گویند او در این میان به فکر نفع شخصی خودش است و خودش می‌خواهد جانشین او شود. در این میان پرسش اساسی این است که آیا شاهزاده احمد می‌تواند همان نقشی را ایفا کند که ملک‌فیصل در سال ۱۹۶۴ با به‌راه‌انداختن کودتایی خانوادگی علیه برادرش سعود انجام داد.

رویداد

خروج اتریش از پیمان مهاجرتی سازمان ملل

● دولت دست‌راستی اتریش اعلام کرد که رویکردی مانند ایالات متحده و مجارستان در پیش می‌گیرد و از پیمان سازمان ملل متحد در زمینه ساماندهی وضعیت مهاجرت خارج می‌شود.

تنفرجو بایدن از دولت ترامپ

● جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا، با محکوم‌کردن لفاظی‌های دونالد ترامپ گفت که از دولت دونالد ترامپ «خسته و متنفر» است. همچنین شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان با اشاره به تیراندازی در کنیسه یهودیان شهر پیتسبورگ، گزارش داد: سفر ترامپ به این شهر نه‌تنها با استقبال مواجه نشده، بلکه با انتقادات گسترده‌ای مواجه شده است.

لغو حکم اعدام زن مسیحی در پاکستان

● دیوان‌عالی پاکستان، آسیه بی‌بی، زن مسیحی را از اتهام «کفرگویی» علیه پیامبر اسلام(ص) مبرا شناخت و حکم به لغو اعدام و آزادی فوری او داد، اما حزب تحریک لبیک پاکستان تهدید به مقابله شدید کرده است.

دیپلمات نروژی جانشین دی‌میستورا

● دبیرکل سازمان ملل نماینده جدید این سازمان در امور سوریه را معرفی کرد. به گزارش ایلنا به‌نقل از خبرگزاری رویترز، گئیر پدرسن، دیپلمات نروژی، سفیر جدید سازمان ملل در امور سوریه خواهد بود.

آمادگی پیونگ‌یانگ برای بازدید بازرسان بین‌المللی
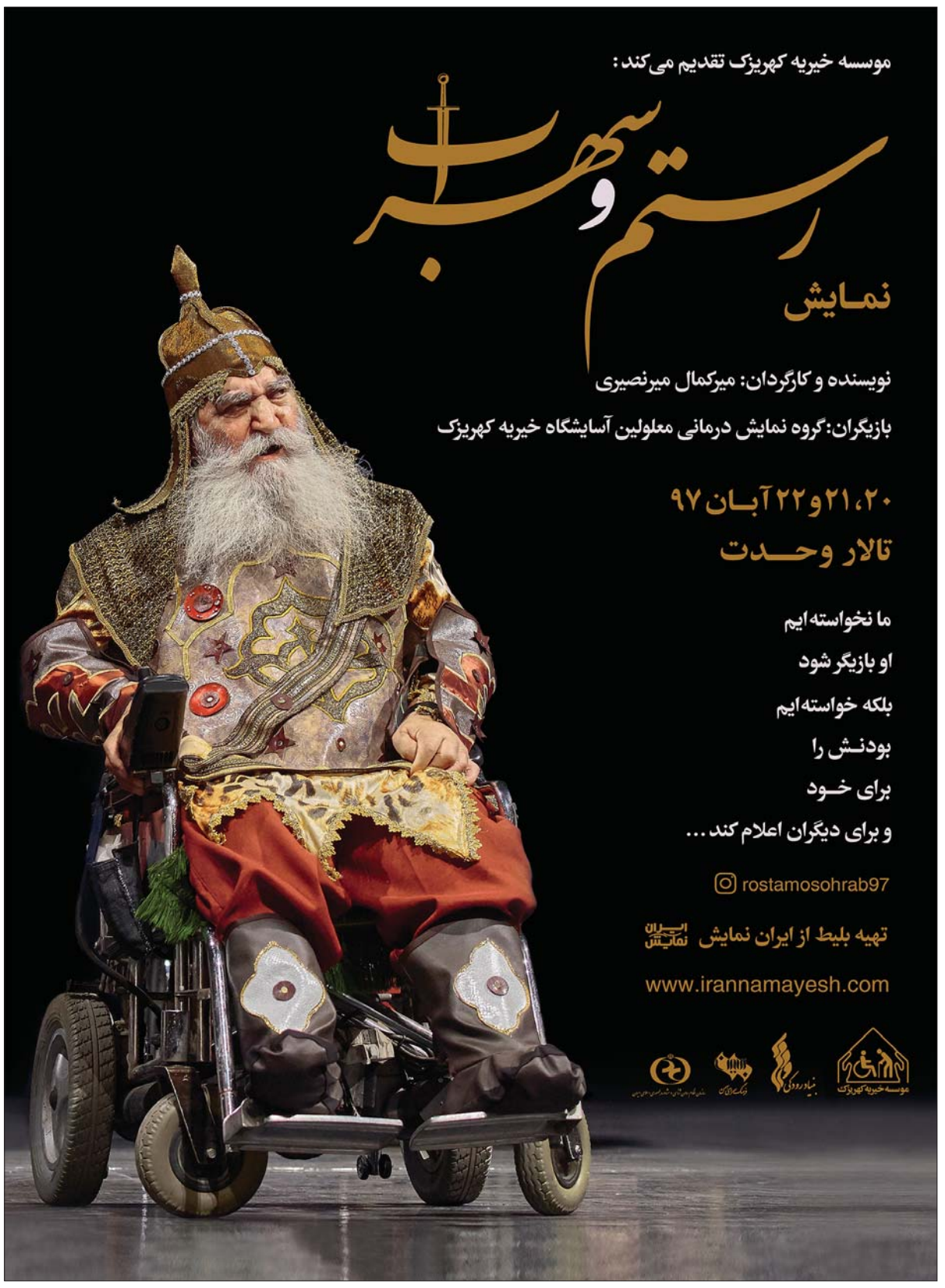
● سازمان جاسوسی کره‌جنوبی اعلام کرد که کره‌شمالی خود را برای بازدید بازرسان بین‌المللی از چندین سایت آزمایش موشکی و اتمی‌اش آماده می‌کند. این خبر را خبرگزاری یونهاپ به‌نقل از یک قانون‌گذار کره‌جنوبی اعلام کرد.